



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



سال میلادی یکصد و بیست و پنجم

ارشد و خاندان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام

نویسنده:

سعید داودی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام: آتش در خانه وحی جلد ۲
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	فهرست مطالب
۱۲	افسانه یا واقعیت؟
۱۳	۱. حضرت زهرا علیها السلام در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله
۱۵	۲. احترام خانه آن حضرت در قرآن و سنت
۱۶	۳. هتک حرمت خانه آن حضرت!
۱۶	اشاره
۱۷	الف) ابن ابی شیبیه، محدث معروف اهل سنت، در کتاب «المصنّف»
۱۸	ب) بلاذری، محدث بزرگ دیگر اهل سنت، در کتاب «انساب الاشراف»
۱۹	ج) ابن قتیبه و کتاب «الإمامه و السیاسه»
۲۲	د) طبری و تاریخ او
۲۲	ه) ابن عبد ربّه و کتاب «العقد الفرید»
۲۴	و) ابوعبید و کتاب «الاموال»
۲۵	ز) طبرانی و «معجم الکبیر»
۲۶	ح) باز هم ابن عبد ربّه و «عقد الفرید»
۲۷	ط) سخن نظام در کتاب «الوافی بالوفیات»
۲۸	ی) مبرز در کتاب «کامل»
۲۸	ک) مسعودی و «مروج الذهب»
۲۹	ل) ذهبی و کتاب «میزان الاعتدال»
۲۹	م) عبدالفتاح عبدالمقصود و کتاب «الإمام علی»
۳۱	نتیجه:

مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام: آتش در خانه وحی جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه: داودی، سعید، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدید آور: مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام/ فاضل محقق سعید داودی؛ زیر نظر گروه معارف و علوم اسلامی حوزه علمیه قم.

مشخصات نشر: قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸ -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ۳۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۳۹-۰؛ ۴۰۰۰ ریال: ج.۲، چاپ سوم: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۴۳-۷؛ ۴۰۰۰ ریال: ج.۳
۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۵۶-۷؛ ۵۰۰۰ ریال (ج.۴، چاپ اول)؛ ۵۰۰۰ ریال: ج.۴، چاپ دوم: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۷۵-۸؛ ۵۰۰۰
ریال: ج.۵: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۷۹-۶؛ ۵۰۰۰ ریال: ج.۶: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۸۱-۹

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد ششم، ۱۳۸۸.

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: The narration of pen ink.

یادداشت: ج.۲ (چاپ سوم: ۱۳۸۹).

یادداشت: ج.۳ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت: ج.۴ (چاپ دوم: ۱۳۸۹).

یادداشت: ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت: ج.۵ و ۶ (چاپ اول: ۱۳۸۸).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج.۱. حدیث دوات و قلم. ج.۲. آتش در خانه وحی. ج.۳. ازدواج ام کلثوم، مظلومیتی دیگر. ج.۴. رفتارشناسی خلیفه دوم. ج.۵. مشروعیت سقیفه. ج.۶. شورای شش نفره که یک تحلیل منطقی با استفاده از منابع اهل سنت.

موضوع: شیعه -- تاریخ -- احادیث.

موضوع: اسلام -- تاریخ -- احادیث.

شناسه افزوده : مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام (قم). گروه معارف و علوم اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۳۹/د۵م۲۰۵ ۱۳۸۰ی

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۳۳۷۸۰

ص: ۱

اشاره

زیر نظر :

گروه معارف و علوم اسلامی

حوزه علمیه قم

مسائل سؤال برانگیز در تاریخ اسلام

۲. آتش در خانه وحی

بخوانید و داوری کنید

فهرست‌نویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)

فهرست مطالب

افسانه یا واقعیت؟ ۵

۱. حضرت زهرا علیها السلام در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله ۶
۲. احترام خانه آن حضرت در قرآن و سنت ۸
۳. هتک حرمت خانه آن حضرت! ۹
- الف) ابن ابی شیبیه، محدث معروف اهل سنت، در کتاب «المصنّف» ۱۰
- ب) بلاذری، محدث بزرگ دیگر اهل سنت، در کتاب «انساب الاشراف» ۱۱
- ج) ابن قتیبه و کتاب «الإمامه و السیاسه» ۱۲
- د) طبری و تاریخ او ۱۵
- هـ) ابن عبد ربّه و کتاب «العقد الفرید» ۱۵
- یورش انجام گرفت! ۱۷
- و) ابو عبید و کتاب «الاموال» ۱۷
- ز) طبرانی و «معجم الکبیر» ۱۸
- ح) باز هم ابن عبد ربّه و «عقد الفرید» ۱۹
- ط) سخن نظام در کتاب «الوافی بالوفیات» ۲۰
- ی) میزد در کتاب «کامل» ۲۱

ك) مسعودى و «مروج الذهب» ٢١

ل) ذهبى و كتاب «ميزان الاعتدال» ٢٢

م) عبدالفتاح عبدالمقصود و كتاب «الإمام على» ٢٢

نتيجه : ٢٤

افسانه یا واقعیت؟

اخیراً یک فرد ناآگاه از تاریخ صحیح اسلام در منطقه سیستان و بلوچستان مقالهای درباره دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته و نام آن را «افسانه شهادت فاطمه زهرا علیها السلام» گذارده است. در این مقاله پس از ذکر مناقب و فضایل آن حضرت، خواسته است شهادت و بیحرمتی را که درباره آن حضرت انجام گرفته، منکر شود و بعضی دیگر، در سخنرانیهای خود بر آن تأکید دارند.

از آنجا که بخشی از این مقاله، تحریف روشن تاریخ اسلام است، ما را بر آن داشت که به گوشه‌های از این تحریف و بیان بخشی از این حقایق پردازیم تا ثابت شود شهادت بانوی اسلام یک واقعیت انکارناپذیر تاریخی است و اگر آنها چنین بحثی را آغاز نکرده بودند، ما در این شرایط، آن را دنبال نمی‌کردیم.

در این نوشتار امور ذیل را پی میگیریم :

۱. حضرت زهرا علیها السلام در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله .

۲. احترام خانه آن حضرت در قرآن و سنت.

۳. هتک حرمت خانه آن حضرت.

به امید آنکه با تشریح این نقاط سه گانه، نویسنده مقاله، در برابر حقیقت سر تسلیم فرود آورد. و از نوشته خود نادم و پشیمان گردد و به جبران کار خود پردازد.

این نکته حائز اهمیت است که تمام مطالب این نوشتار از منابع معروف اهل سنت گرفته شده است.

۱. حضرت زهرا علیها السلام در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله

دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله از مقام والایی برخوردار بود. سخنان رسول گرامی صلی الله علیه و آله در حق دخترش حاکی از عصمت و پیراستگی او از گناه است، آنجا که درباره او میفرماید :

حضرت زهرا علیها السلام در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي (۱)؛ فاطمه پاره تن من

است، هر کس او را به خشم آورد مرا خشمگین کرده است». ناگفته پیداست که خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله مایه اذیت و ناراحتی اوست و

۱- . فتح الباری در شرح صحیح بخاری، ج ۷، ص ۸۴ و نیز بخاری این حدیث را در بخشعلامات نبوت، ج ۶، ص ۴۹۱، و در اواخر مغازی، ج ۸، ص ۱۱۰ آورده است.

سزای چنان شخصی در قرآن کریم چنین بیان شده است :

«وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱) ؛ آنان که رسول

خدا را آزار دهند، برای آنان عذاب دردناکی است».

چه دلیلی استوارتر بر فضیلت و عصمت او که در حدیث دیگری رضای وی در گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله مایه رضای خدا، و خشم او مایه خشم خدا معرفی گردیده است، میفرماید :

«يا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ يُغْضِبُ لِعُضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ (۲) ؛ دخترم

فاطمه! خدا با خشم تو خشمگین، و با خشنودی تو، خشنود میشود».

به سبب داشتن چنین مقامی والا، او سرور زنان جهان است، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حق او چنین فرموده :

«يا فَاطِمَةُ! أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ (۳) ؛ دخترم فاطمه! آیا به این

کرامتی که خدا به تو داده راضی نمیشوی که تو، سرور زنان جهان و سرور زنان این امت و سرور زنان با ایمان باشی».

احترام خانه آن حضرت در قرآن و سنت

۱- . توبه، آیه ۶۱ .

۲- . مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۴ ؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۳ و حاکم در کتاب مستدرک احادیثی می آورد که جامع شرایطی است که بخاری و مسلم در صحت حدیث، آنها را لازم دانسته اند.

۳- . مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۶ .

۲. احترام خانه آن حضرت در قرآن و سنت

محدثان یاد آور میشوند، هنگامی که آیه مبارکه (فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ) (۱) بر پیامبر نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله این

آیه را در مسجد تلاوت کرد، در این هنگام شخصی برخاست و گفت:

ای رسول گرامی! مقصود از این بیوت با این اهمیت کدام است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خانه‌های پیامبران!

ابوبکر برخاست، در حالی که به خانه علی و فاطمه علیهما السلام اشاره میکرد، گفت:

آیا این خانه از همان خانه‌هاست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

بلی از برجسته‌ترین آنهاست. (۲)

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مدت نه ماه به در خانه دخترش می‌آمد، بر او و همسر عزیزش سلام میکرد (۳) و این آیه را میخواند: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا). (۴)

۱- . نور، آیه ۳۶. (نور خدا) در خانه‌هایی است که خدا رخصت داده که قدر و منزلت آنان رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود.

۲- . قرأ رسول الله هذه الآية (فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ) فقام إِلَيْهَرَجُلٌ: فَقَالَ: أَيُّ بُيُوتٍ هَذِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ: بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ، فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ، فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَهَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا، - مُشِيرًا إِلَى بَيْتِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ ۸ - قَالَ: نَعَمْ، مِنْ أَفْضَلِهَا (در المنثور، ج ۶، ص ۲۰۳؛ تفسیر سوره نور، روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۷۴).

۳- . در المنثور، ج ۶، ص ۶۰۶.

۴- . احزاب، آیه ۳۳.

خانه ای که مرکز نور الهی است و خدا به ترفیع آن امر فرموده از احترام بسیار بالایی برخوردار است.

آری! خانهای که اصحاب کسا را در بر میگیرد و خدا از آن با جلالت و عظمت یاد میکند، باید مورد احترام قاطبه مسلمانان باشد.

اکنون باید دید پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله تا چه اندازه حرمت این خانه ملحوظ گشت؟ چگونه احترام آن خانه را شکستند، و خودشان صریحاً به آن اعتراف دارند؟ این حرمتشکنان چه کسانی بودند، و هدفشان چه بود؟

۳. هتک حرمت خانه آن حضرت!

اشاره

با این همه سفارشهای مؤکد، متأسفانه برخی حرمت آن را نادیده گرفته، و به هتک آن پرداختند، و این مسئلهای نیست که بتوان آن را پردهپوشی کرد.

در این مورد نصوصی را از کتب اهل سنت نقل میکنیم، تا روشن شود مسئله هتک حرمت خانه زهرا علیها السلام و رویدادهای بعدی، امری تاریخی و مسلم است؛ نه یک افسانه! و با اینکه در عصر خلفا سختگیری فوقالعادهای نسبت به نگارش فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام در کار بود ولی به حکم اینکه «حقیقت شیء

نگهبان آن است» این حقیقت به طور زنده در کتابهای تاریخی و حدیثی محفوظ مانده است. در نقل مدارک، ترتیب زمانی را از قرنهاى نخستین در نظر میگیریم، تا برسد به نویسندگان عصر حاضر.

الف) ابن ابی شیبیه، محدث معروف اهل سنت، در کتاب «المصنّف»

ابوبکر ابن ابی شیبیه (۱۵۹-۲۳۵) مؤلف کتاب المصنّف به سندی صحیح چنین نقل میکند :

«إِنَّهُ حِينَ بُويعَ لِأَبِي بَكْرٍ بَعِدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ عَلِيٌّ وَالزُّبَيْرُ يَدْخُلَانِ عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، فَيُشَاوِرُونَهَا وَيَتَجْعَلُونَ فِي أَمْرِهِمْ. فَلَمَّا بَلَغَ ذَلِكَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ خَرَجَ وَدَخَلَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ، فَقَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاللَّهِ مَا أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيْنَا مِنْ أَبِيكَ وَمَا مِنْ أَحَدٍ أَحَبَّ إِلَيْنَا بَعْدَ أَبِيكَ مِنْكَ، وَأَيْمُ اللَّهِ مَا ذَاكَ بِمَانِعِي إِنْ اجْتَمَعَ هَؤُلَاءِ النَّفَرُ عِنْدَكَ أَنْ أَمَرْتَهُمْ أَنْ يُحْرِقَ عَلَيْهِمُ الْبَيْتَ.

قال: فَلَمَّا خَرَجَ عُمَرُ جَاؤُوهَا، فَقَالَتْ: تَعْلَمُونَ أَنَّ عَمَرَ قَدْ جَاءَنِي، وَقَدْ حَلَفَ بِاللَّهِ لِيَنْ عِدَّتُمْ لِيَحْرِقَنَّ عَلَيْكُمُ الْبَيْتَ، وَأَيْمُ اللَّهِ لِيَمِضَّيْنِ لِمَا حَلَفَ عَلَيْهِ.

هنگامی که مردم با ابوبکر بیعت کردند، علی و زبیر در خانه فاطمه به گفتگو و مشاوره میپرداختند، و این مطلب به عمر بن

خطاب رسید. او به خانه فاطمه آمد، و گفت: ای دختر رسول خدا، محبوبترین فرد برای ما پدر تو و بعد از پدرت تو هستی؛ ولی سوگند به خدا این محبت مانع از آن نیست که اگر این افراد در خانه تو جمع شوند من دستور دهم خانه را بر آنها بسوزانند.

این جمله را گفت و بیرون رفت، وقتی علی علیه السلام و زبیر به خانه بازگشتند، دخت گرامی پیامبر به علی علیه السلام و زبیر گفت: عمر نزد من آمد و سوگند یاد کرد که اگر اجتماع شما تکرار شود، خانه را هنگامی که شما در آن هستید آتش میزنم، به خدا سوگند! آنچه را که قسم خورده است انجام میدهد!». (۱)

تکرار میکنیم که این رویداد در کتاب المصنّف با سند صحیح نقل شده است.

(ب) بلاذری، محدّث بزرگ دیگر اهل سنت، در کتاب «انسابالاشراف»

احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (م ۲۷۰) نویسنده معروف و صاحب تاریخ بزرگ، این رویداد تاریخی را در کتاب انساب الاشراف بدین نحو نقل میکند:

«إِنَّ أَبَا بَكْرٍ أَرْسَلَ إِلَى عَلِيٍّ يُرِيدُ الْبَيْعَةَ فَلَمْ يُبَايِعْ، فَجَاءَ عُمَرُ وَمَعَهُ فَتِيلَةٌ! فَلَقِيْنَهُ فَاطِمَةَ عَلَى الْبَابِ.

۱- . مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۸، ص ۵۷۲، کتاب المغازی.

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: يَا بْنَ الْخَطَّابِ، أَتَرَكَ مُحْرِقًا عَلِيَّ بَابِي؟ قَالَ: نَعَمْ، وَذَلِكَ أَقْوَى فِيمَا جَاءَ بِهِ أَبُو كَيْ... (۱)

ابوبکر به دنبال علی علیه السلام فرستاد تا بیعت کند؛ ولی علی علیه السلام از بیعت امتناع ورزید. سپس عمر همراه با فتیله (آتشزا) حرکت کرد، و با فاطمه در مقابل باب خانه روبرو شد، فاطمه گفت: ای فرزند خطّاب، میبینم درصدد سوزاندن خانه من هستی؟! عمر گفت: بلی، این کار کمک به چیزی است که پدرت برای آن مبعوث شده است!.

ج) ابن قتیبه و کتاب «الإمامه و السیاسه»

مورّخ شهیر عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (۲۱۲-۲۷۶) از پیشوایان ادب، نویسندگان پرکار حوزه تاریخ اسلامی و مؤلف کتاب تأویل مختلف الحدیث، و ادب الکاتب و... است. (۲) وی در

کتاب الامامه و السیاسه چنین مینویسد:

«إِنَّ أَبَا بَكْرٍ (رض) تَفَقَّدَ قَوْمًا تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعَتِهِ عِنْدَ عَلِيِّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ عُمَرَ فَجَاءَ فَنَادَاهُمْ وَ هُمْ فِي دَارِ عَلِيٍّ، فَأَبَوْا أَنْ

يَخْرُجُوا فَدَعَا بِالْحَطَبِ وَ قَالَ: وَالَّذِي نَفْسُ عُمَرَ بِيَدِهِ لَتَخْرُجَنَّ أَوْ

۱- . انساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۸۶، چاپ دار معارف، قاهره.

۲- . الاعلام زرکلی، ج ۴، ص ۱۳۷.

لَاخْرَقْنَهَا عَلَيَّ مِنْ فِيهَا، فَقِيلَ لَهُ: يَا أَبَا حَفْصٍ إِنَّ فِيهَا فَاطِمَةَ فَقَالَ، وَإِنْ! (۱)

ابوبکر از کسانی که از بیعت با او سر برتافتند و در خانه علی گردآمده بودند، سراغ گرفت و عمر را به دنبال آنان فرستاد، او به در خانه علی علیه السلام آمد و همگان را صدا زد که بیرون بیایند و آنان از خروج از خانه امتناع ورزیدند در این موقع عمر هیزم طلید و گفت: به خدایی که جان عمر در دست اوست بیرون بیاید یا خانه را با شما آتش میزنم. مردی به عمر گفت: ای اباحفص (کنیه عمر) در این خانه، فاطمه، دختر پیامبر است، گفت: باشد!.

ابن قتیبه دنباله این داستان را سوزناکتر و دردناکتر نوشته است، او میگوید:

«ثُمَّ قَامَ عُمَرُ فَمَشَى مَعَهُ جَمَاعَةٌ حَتَّى أَتَوْا فَاطِمَةَ فَدَقُّوا الْبَابَ فَلَمَّا سَمِعَتْ أَصْوَاتَهُمْ نَادَتْ بِأَعْلَى صَوْتِهَا يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَاذَا لَقِينَا بَعِيدَكَ مِنْ ابْنِ ابْنِ الْخَطَّابِ وَ ابْنِ أَبِي الْقُحَافَةِ فَلَمَّا سَمِعَ الْقَوْمُ صَوْتَهَا وَ بُكَائَهَا انْصَرَفُوا وَ بَقِيَ عُمَرُ وَ مَعَهُ قَوْمٌ فَأَخْرَجُوا عَلِيًّا فَمَضَوْا بِهِ إِلَى أَبِي بَكْرٍ فَقَالُوا لَهُ بَايِعْ، فَقَالَ: إِنْ أَنَا لَمْ أَفْعَلْ فَمَهْ؟ فَقَالُوا: إِذَا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ نَضْرِبُ عَنْقَكَ...! (۲)

عمر همراه گروهی به در خانه فاطمه آمدند، در خانه را زدند،

۱- . الامامه و السياسه ابن قتیبه، ص ۱۲، چاپ مکتبه تجاریه کبری، مصر.

۲- . الامامه و السياسه ابن قتیبه، ص ۱۳ .

هنگامی که فاطمه صدای آنان را شنید، با صدای بلند گفت: ای رسول خدا پس از تو چه مصیبت‌هایی به ما از فرزند خطاب و فرزند ابیقحافه رسید، افرادی که همراه عمر بودند هنگامی که صدای زهرا و گریه او را شنیدند برگشتند؛ ولی عمر با گروهی باقی ماند و علی را از خانه بیرون آوردند، نزد ابیبکر بردند و به او گفتند: بیعت کن، علی علیه السلام گفت: اگر بیعت نکنم چه میشود؟ گفتند: به خدایی که جز او خدایی نیست، گردن تو را میزنیم...».

این بخش از تاریخ برای علاقه‌مندان به شیخین قطعاً بسیار سنگین و ناگوار است، لذا برخی در صدد بر آمدند در نسبت کتاب به ابن قتیبه تردید کنند، در حالی که ابن ابی الحدید استاد فن تاریخ، این کتاب را از آثار او میداند و پیوسته از آن مطالبی نقل میکند، متأسفانه این کتاب به سرنوشت تحریف دچار شده و بخشی از مطالب آن به هنگام چاپ حذف شده است، در حالی که همان مطالب در شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید آمده است.

زرکلی در کتاب الأعلام این کتاب را از آثار ابن قتیبه میداند و میافزاید: برخی از علما در این نسبت نظری دارند؛ یعنی شک و تردید را به دیگران نسبت میدهد؛ نه به خویش. (۱) الیاس سرکیس

نیز این کتاب را از آثار ابن قتیبه می‌شمارد. (۲)

۱- . معجم المطبوعات العربیه، ج ۱، ص ۲۱۲ .

۲- . الاعلام زرکلی، ج ۴، ص ۱۳۷ (چاپ دارالعلم للملایین، بیروت)

(د) طبری و تاریخ او

مورخ معروف محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰) در تاریخ خود رویداد هتک حرمت خانه وحی را چنین بیان میکند :

«أَتَى عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ مَنْزِلَ عَلِيٍّ وَفِيهِ طَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ وَرِجَالٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ، فَقَالَ وَاللَّهِ لَا أُخْرِقَنَّ عَلَيْكُمْ أَوْ لَتَخْرُجَنَّ إِلَى الْبَيْعَةِ، فَخَرَجَ عَلَيْهِ الزُّبَيْرُ مُضَلِّتًا بِالسَّيْفِ فَعَثَرَ فَسَقَطَ السَّيْفُ مِنْ يَدِهِ، فَوَثَبُوا عَلَيْهِ فَأَخَذُوهُ. (۱)»

عمر بن خطاب به خانه علی آمد در حالی که طلحه و زبیر و گروهی از مهاجران در آنجا گرد آمده بودند. وی رو به آنان کرد و گفت: به خدا سوگند خانه را به آتش میکشم مگر اینکه برای بیعت بیرون بیایید. زبیر از خانه بیرون آمد در حالی که شمشیر کشیده بود، ناگهان پای او لغزید، شمشیر از دستش افتاد و دیگران بر او هجوم آوردند و او را گرفتند.

این بخش از تاریخ حاکی از آن است که اخذ بیعت برای خلیفه با تهدید و ارباب صورت میپذیرفت اما اینکه اینگونه بیعت چه ارزشی دارد؟ قضاوت آن با خوانندگان است.

(ه) ابن عبد ربّه و کتاب «العقد الفرید»

شهاب الدین احمد معروف به ابن عبد ربّه اندلسی مؤلف کتاب

۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳، چاپ بیروت.

العقد الفرید (م ۴۶۳) در کتاب خود بحثی مشروح درباره تاریخ سقیفه آورده است. وی تحت عنوان کسانی که از بیعت ابوبکر تخلف جستند، مینویسد :

«فَأَمَّا عَلِيٌّ وَالْعَبَّاسُ وَالزُّبَيْرُ فَفَعَعِدُوا فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ حَتَّى بَعَثَ إِلَيْهِمْ أَبُو بَكْرٍ، عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لِيُخْرِجَهُمْ مِنْ بَيْتِ فَاطِمَةَ وَقَالَ لَهُ: إِنَّ أَبَا فَا تَلَّهُمْ، فَأَقْبَلَ بِقَبْسٍ مِنْ نَارٍ أَنْ يُضْرَمَ عَلَيْهِمُ الدَّارُ، فَلَقِيَتْهُ فَاطِمَةُ فَقَالَ: يَا ابْنَ الْخَطَّابِ أَجِئْتَ لِتَحْرِقَ دَارَنَا؟! قَالَ: نَعَمْ، أَوْ تَدْخُلُوا فِيمَا دَخَلَتْ فِيهِ الْأُمَّةُ!». (۱)

علی و عباس و زبیر در خانه فاطمه نشسته بودند که ابوبکر، عمر بن خطاب را فرستاد تا آنان را از خانه فاطمه بیرون کند و به او گفت: اگر بیرون نیامدند، با آنان نبرد کن! عمر بن خطاب با مقداری آتش به سوی خانه فاطمه رهسپار شد تا خانه را بسوزاند، ناگاه با فاطمه روبهرو شد. دختر پیامبر گفت: ای فرزند خطاب آمدهای خانه ما را بسوزانی؟ او در پاسخ گفت: بلی مگر اینکه در آنچه امت وارد شدند، شما نیز وارد شوید!.

تا اینجا بخشی که در آن تصریح به تصمیم به هتک حرمت شده است پایان پذیرفت، اکنون به بخش دوم که حاکی از جامه عمل پوشاندن به این نیت شوم است، میپردازیم! مبادا تصور شود که

قصدها تنها ارباب و تهدید بود تا علی علیه السلام و یارانش را مجبور به بیعت کنند، و هدف عملی ساختن چنین تهدیدی را نداشتند.

یورش انجام گرفت!

تا اینجا سخنان آن گروه که فقط به سوء نیت خلیفه و یاران او اشاره کرده‌اند به پایان رسید. گروهی که نخواستند و یا نتوانستند دنباله فاجعه را به طور روشن منعکس کنند، در حالی که برخی دیگر به اصل فاجعه؛ یعنی یورش به خانه و... اشاره نمودند و اینک مدارک یورش و هتک حرمت به خانه حضرت فاطمه علیها السلام (در این بخش نیز در نقل مصادر، غالباً ترتیب زمانی را در نظر میگیریم):

(و) ابو عبید و کتاب «الاموال»

ابو عبید، قاسم بن سلام (م ۲۲۴) در کتاب الاموال که مورد اعتماد فقهای اهل سنت است، مینویسد:

«عبدالرحمن بن عوف میگوید: در بیماری ابوبکر برای عیادتش به خانه او رفتم. پس از گفتگوی زیاد گفت: ای کاش سه چیز را که انجام داده‌ام، انجام نمیدادم، ای کاش سه چیز را که انجام نداده‌ام، انجام میدادم. همچنین آرزو میکنم سه چیز را از پیامبر

سؤال میکردم؛ یکی از آن سه چیزی که انجام داده‌ام و آرزو میکنم ای کاش انجام نمیدادم این است که: «وَدَدْتُ أَنِّي لَمْ أَكْشِفْ بَيْتَ فَاطِمَةَ وَ تَرَكَتُهُ وَ إِنِّي أُغْلِقُ عَلَى الْحَرْبِ؛ ای کاش پرده حرمت خانه فاطمه را نمیگشودم و آن را به حال خود وامیگذاشتم، هر چند برای جنگ بسته شده بود». (۱)

ابوعبید هنگامی که به اینجا میرسد به جای جمله: «لم أكشف بيت فاطمه و تركته...» میگوید: «كذا و كذا» و اضافه میکند که من مایل به ذکر آن نیستم!

ابوعبید، هر چند روی تعصب مذهبی یا علت دیگر از نقل حقیقت سر برتافته؛ ولی محققان کتاب الأموال در پاورقی میگویند: جمله‌های حذف شده در کتاب میزان الاعتدال - به نحوی که بیان گردید - وارد شده است، افزون بر آن، طبرانی در معجم خود و ابن عبد ربّه در عقد الفرید و افراد دیگر جمله‌های حذف شده را آورده‌اند. (دقت کنید!)

(ز) طبرانی و «معجم الكبير»

ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (۲۶۰-۳۶۰) که ذهبی در

۱- . الأموال، پاورقی ۴، چاپ نشر کلیات ازهریه، نیز ص ۱۴۴، چاپ بیروت. ابن عبد ربّه در عقد الفرید، ج ۴، ص ۹۳ نیز آن را نقل کرده است، چنان که خواهد آمد.

میزان الاعتدال وی را معتبر میدانند. (۱) در کتاب المعجم الکبیر که

کرار آ چاپ شده، آنجا که درباره ابوبکر و خطبهها و وفات او سخن میگوید، یادآور میشود:

ابوبکر به هنگام مرگ، اموری را تمنا کرد و گفت: ای کاش سه چیز را انجام نمیدادم، سه چیز را انجام میدادم و سه چیز را از رسول خدا سؤال میکردم: «أَمَا الثَّلَاثُ اللَّائِي وَدَدْتُ أَنِّي لَمْ أَفْعَلْهُنَّ، فَوَدَدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ أَكْشِفُ بَيْتَ فَاطِمَةَ وَ تَرَكَتُهُ...؛ آن سه چیزی که آرزو میکنم که ای کاش انجام نمیدادم، آرزو میکنم ای کاش حرمت خانه فاطمه را هتک نمیکردم و آن را به حال خود واگذار میکردم!». (۲)

این تعبیرات به خوبی نشان میدهد که تهدیدهای عمر عملی شد و در خانه را به زور (یا با آتش زدن) گشودند.

ح) باز هم ابن عبد ربّه و «عقد الفرید»

ابن عبد ربّه اندلسی مؤلف کتاب العقد الفرید (م ۴۶۳) در کتاب خود از عبدالرحمن بن عوف نقل میکند:

«من در بیماری ایبکر بر او وارد شدم تا از او عیادت کنم، او

۱- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۹۵.

۲- معجم الکبیر طبرانی، ج ۱، ص ۶۲، ح ۳۴، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی.

گفت: آرزو میکنم که ای کاش سه چیز را انجام نمیدادم و یکی از آن سه چیز این است: «وَدَدْتُ أَنِّي لَمْ أُكْشِفُ بَيْتَ فَاطِمَةَ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ كَانُوا أَغْلَقُوهُ عَلَيَّ الْحَرْبِ؛ ای کاش خانه فاطمه را نمیگشودم، هر چند آنان برای نبرد در خانه را بسته بودند».

(۱)

در بحثهای آینده نیز اسامی و عبارات شخصیت‌های دیگری که این بخش از گفتار خلیفه را نقل کرده‌اند، خواهد آمد.

ط) سخن نظام در کتاب «الوفی بالوفیات»

ابراهیم بن سیار نظام معتزلی (۱۶۰-۲۳۱) که به دلیل زیبایی کلامش در نظم و نثر به نظام معروف شده است در کتابهای متعددی، واقعه بعد از حضور در خانه فاطمه علیها السلام را نقل میکند. او میگوید:

«إِنَّ عُمَرَ ضَرَبَ بَطْنَ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَتِ الْمُحْسِنَ مِنْ بَطْنِهَا؛ عمر در روز اخذ بیعت برای ابیبکر، بر شکم فاطمه زد، او فرزندی که در رحم داشت و نام او را محسن نهاده بودند، سقط کرد!». (۲)

۱- . عقد الفرید، ج ۴، ص ۹۳، چاپ مکتبه الهلال.

۲- . الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۷، شماره ۲۴۴۴؛ ملل و نحل شهرستانی، ج ۱، ص ۵۷، چاپ دارالمعرفه، بیروت. در ترجمه نظام به کتاب «بحوث فی الملل والنحل»، ج ۳، ص ۲۴۸-۲۵۵ مراجعه شود.

(ی) مبرّد در کتاب «کامل»

ابن ابی الحدید مینویسد: محمد بن یزید بن عبدالاکبر بغدادی (۲۱۰-۲۸۵) ادیب، و نویسنده معروف و صاحب آثار مشهور، در کتاب الکامل، از عبدالرحمن بن عوف داستان آرزوهای خلیفه را مینویسد، و چنین یادآور میشود:

«وَدَدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ كَشَفْتُ عَنْ بَيْتِ فَاطِمَةَ وَ تَرَكْتُهُ وَ لَوْ أُغْلِقَ عَلَيَّ الْحَرْبُ». (۱)

(ک) مسعودی و «مروج الذهب»

مسعودی (م ۳۲۵) در مروج الذهب مینویسد: «آنگاه که ابوبکر در حال احتضار بود چنین گفت:

سه چیز انجام دادم و تمنا میکردم که ای کاش انجام نمیدادم؛ یکی از آن سه چیز این بود: فَوَدَدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ فَتَشْتُ بَيْتَ فَاطِمَةَ وَ ذَكَرَ فِي ذَلِكَ كَلِمًا كَثِيرًا!؛ آرزو میکردم که ای کاش حرمت خانه زهرا را هتک نمیکردم. وی در این مورد سخن زیادی گفته است!!». (۲)

مسعودی با اینکه نسبت به اهل بیت گرایشهای موافقی دارد؛ ولی اینجا از بازگویی سخن خلیفه خودداری کرده و با کنایه رد شده است. البته سبب را خدامیدانند و البته بندگان خداهم اجمالا میدانند!

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۴۶ و ۴۷، چاپ مصر.

۲- مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۱، چاپ دارالاندلس، بیروت.

ل) ذهبی و کتاب «میزان الاعتدال»

ذهبی در کتاب میزان الاعتدال از محمد بن احمد کوفی حافظ نقل میکند که در محضر احمد بن محمد معروف به ابن ابیدارم، محدث کوفی (م ۳۵۷)، این خبر خوانده شد :

«إِنَّ عُمَرَ رَفَسَ فَاطِمَةَ حَتَّى أَشَقَقْتُ بِمُحْسِنٍ؛ عمر لگدی بر فاطمه زد و او فرزندی که در رحم به نام محسن داشت سقط کرد!». (۱)

م) عبدالفتاح عبدالمقصود و کتاب «الإمام علی»

وی هجوم به خانه وحی را در دو مورد از کتاب خود آورده است و ما به نقل یکی از آنها بسنده میکنیم :

«عمر گفت: وَاللَّهِ نَفْسُ عُمَرَ بِيَدِهِ، لَيُخْرِجَنَّ أَوْ لَأَحْرَقَنَّهَا عَلِيٌّ مَنْ فِيهَا...! قَالَتْ لَهُ طَائِفَةٌ خَافَتْ اللَّهَ وَرَعَتِ الرَّسُولَ فِي عَقْبِهِ: يَا أَبَا حَفْصٍ، إِنَّ فِيهَا فَاطِمَةَ...! فَصَاحَ: لَا يُبَالِي وَ إِنْ...! وَ اقْتَرَبَ وَ قَرَعَ الْبَابَ، ثُمَّ ضَرَبَهُ وَ افْتَحَمَهُ... وَ يَدَالُهُ عَلِيٌّ... وَ رَنَّ حِينَئِذِكَ صَوْتُ الزُّهْرَاءِ عِنْدَ مَدْخَلِ الدَّارِ... فَإِنَّ هِيَ إِلَّا طَيْنَ اسْتِغَاثَةٍ... (۲)»؛

قسم به کسی که جان عمر در دست اوست یا باید بیرون بیاید یا خانه را بر ساکنانش آتش میزنم.

۱- . میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۹، شماره ۵۵۲ .

۲- . عبدالفتاح عبدالمقصود، علی بن ابی طالب، ج ۴، ص ۲۷۶-۲۷۷ .

عده ای که از خدا میترسیدند و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله رعایت منزلت او را میکردند، گفتند :

ای اباحفص، فاطمه در این خانه است. بی پروا فریاد زد: باشد! نزدیک شد، در زد، سپس بر در کوبید و وارد خانه شد.

علی علیه السلام پیدا شد...

طنین صدای زهرا در نزدیکی مدخل خانه بلند شد... این ناله استغاثه او بود...!

* * *

این بحث را با حدیث دیگری از مقاتل ابن عطیه در کتاب الامامه و الخلافه پایان میدهم (هر چند هنوز ناگفتهها بسیار است!).

او در این کتاب چنین مینویسد :

«إِنَّ أَبَا بَكْرٍ بَعِيدٌ مَا أَخَذَ الْبَيْعَةَ لِنَفْسِهِ مِنَ النَّاسِ بِالْإِزْهَابِ وَالسَّيْفِ وَالْقُوَّةِ أُرْسَلَ عُمَرُ وَقُنْفُذٌ وَجَمَاعَةٌ إِلَى دَارِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَجَمَعَ عُمَرُ الْحَطَبَ عَلَى دَارِ فَاطِمَةَ وَأَحْرَقَ بَابَ الدَّارِ!... (۱)؛ هنگامی که

ابوبکر از مردم با تهدید و شمشیر و زور بیعت گرفت، عمر و قنفذ و جماعتی را به سوی خانه علی و فاطمه علیهما السلام فرستاد. عمر هیزم جمع کرد و در خانه را آتش زد...».

۱- . الامامه و الخلافه، ص ۱۶۰-۱۶۱، تألیف مقاتل بن عطیه که با مقدمه ای از دکتر حامد داود استاد دانشگاه عین الشمس قاهره به چاپ رسیده (چاپ بیروت، مؤسسه البلاغ).

در ذیل این روایت، تعبیرات دیگری است که قلم از بیان آن عاجز است.

نتیجه:

با این همه مدارک روشن که عموماً از منابع اهل سنت نقل شده، باز بعضی از آنان تعبیر «افسانه شهادت» را به کار می‌برند و این حادثه تلخ را ساختگی می‌پندارند! اگر اصرار آنها بر نفی این حقایق نبود ما نیز بحث را این مقدار گسترش نمیدادیم.

امیدواریم بیان این حقایق افراد خفته را بیدار کند، تا حقایق تاریخی را در لابه‌لای تعصبات پنهان نسازند و آنها را انکار نکنند.

وما علینا إلا البلاغ

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

